

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه نصر (جله پنجم)

نغمه منقوشی استاد اخوت ۹۴/۷/۱۸

مباحث سوره‌ی مبارکه‌ی نصر بیان شد و بعد هم روایاتی در ذیل آن گفته شد. اگر بخواهیم با توجه به سوره‌ی مبارکه‌ی نصر کل قرآن (تدبر و تفسیر قرآن به قرآن) را بخوانیم لازم است مولفه‌های سوره‌ی نصر را بیابیم و بعد در کل قرآن به دنبال مولفه‌ها بگردیم.

مطالعه‌ی سوره‌ی نصر در کل قرآن

مولفه‌هایی که ما در سوره می‌بینیم:

نصر: یک معنای واژه‌ای دارد که یاری کردن است. اعانه (کمک) + فائق آمدن نسبت به مخالف (مسیر یا محرک‌ها). این فائق آمدن به وسیله‌ی رسول و امر و نهی‌های رسول در سوره مطرح شده است. نصر باید از درون افراد اتفاق افتد. باید اول خود شکوفایی باشد تا بتواند دیگران را شکوفا کند. این نکته مهم است که نصر خدا با نصری که در ذهن ماست متفاوت است در ذهن ما نصریاری دیگران است ولی در قرآن این گونه نصر با "عون" آمده است. نصر در ذاتش ویژه‌ی خداست.

نوع نصر خدا فعال کردن قوای درونی انسان است و نصر از قبل این فعال کردن رخ می‌دهد. به یمن این فعال سازی، انسان هم راستای کل هستی می‌شود و همه‌ی هستی و ملائکه همراه او در نصرت و یاری می‌شوند. می‌توان گفت که نصریک جنبه‌ی زمینه سازی دارد و یک جنبه‌ی عنایت الهی: ان تنصروا الله ینصرکم.

هر جایی در قرآن که دستوری، توصیه‌ای یا راهیابی، مسیرگشایی و هر چیزی از این مدل بود از مقوله‌ی نصر الله است و در صورتی انسان شامل این‌ها می‌شود که خود انسان ابتدا فعال شود. و به هر حال اگر انسان آن امر (اگر چه فردی باشد یا اجتماعی) را عمل کند خدا را یاری کرده است.

در نتیجه یک سری کارهایی از انسان‌ها خواسته شده است که با انجام آن‌ها خدا را یاری می‌کنند. و یاری خدا از باب نیاز نیست.

فتح: گشایش. باز شدن راه و طریق، دستیابی به منافع (هم جزء معانی و هم مصادیق‌اند)، رفع موانع و تنگناها جزء لوازم اصلی فتح است. هر جایی که بحث نزول رحمت و برکت و خیر است نشان از فتح است. با این شرط که فتح، مطلق نزول رحمت (رحمن) نیست بلکه سیری دارد که آن مقدمه‌ای از جانب مردم می‌باشد. ابتدای هر فتحی نصر و امر و نهی‌هایی است. مثلاً من یتق الله يجعل له مخرجاً....

دین: آنچه که در دین مهم است عبودیت در قبال برنامه است، یک خضوعی هم ابراز می‌شود. مطلق برنامه یا مطلق عبودیت، دین نیست حتماً باید در قبال هم باشند. مثلاً مسئولی نقشی دارد و اینکه آن فرد این مسئولیت را بپذیرد یعنی دین را پذیرفته است، مثل زنی که نقش و مسئولیتش را پذیرفته است: کلکم راع و کلکم مسئول. مثلاً امر شده به فاتقوا الارحام: این یک مادر امر است و صله‌ی رحم و قوانین زیادی درونش دارد. زوجیت و بیت و مراقبت نسبت به برنامه‌ها و قوانین آن از مفاهیم دین است، هر جایی که ساختار هست و عبودیتی هم در قبالش وجود دارد، این را دین می‌گوییم.

جاء ویدخلون و.. را فعلاً کاری نداریم.

برای نصر چه سوره‌هایی را پیشنهاد می‌کنید: آل عمران، انفال، توبه

برای فتح چه سوره‌هایی: سوره‌های بالا که در نصر بود، یوسف و حجرات، کهف

برای دین چه سوره‌هایی: روم، نساء، عنکبوت، یس، دخان (تشکیل حکومت موسی و پشت کردن به فرعونیان)،

سوره‌ی قدر

تسبیح: تنزیه و منزّه دانستن خدا از هر عیب و حدّ و نقص. سیر از عیب و نقص و حدّ به بی عیبی و بی نقصی و بی حدّی. تسبیح علمی و عملی است. ۳ سطح دارد:

انی کنت من الظالمین در **عیب**، در **نقص** یا در **حدّ** است.

پیامبر سیرش از حدّ است و نه از عیب و نقص. درمقابل سخنان انبیاء مواظب باشید که زود قضاوت نکنید. سیر انبیاء، سیری از نیاز تا بی نیازی است. ماهیت تسبیح ماهیت دعایی است، ذکر است.

در قرآن هر جایی که آسیبی بیان شده است و خدا خواسته که انسان دچار این آسیب نشود آنجا محل تسبیح است. تسبیح یعنی حیاتی که در موجود جاری است. تسبیح یعنی انعکاس داشتن نسبت به محیط. استعاذه نوعی تسبیح است که مواجه شدن با شرّ در آن موضوعیت پیدا می کند. استعاذه یک تسبیح کاملاً عملی است. و کاملاً عملیاتی است. سور مسبحات یک سری عیب و نقص و حدّ در انسان را مطرح می کند، مثلاً در سوره‌ی حشر عیب انسان با ظنّ بد بیان شده است. استعاذه یک پیشگیری و یک درمان دارد، ولی پیشگیری بیشتر در تسبیح عملی می گنجد. تسبیح علمی و عملی که نتیجه می دهد استعاذه‌ی علمی و عملی.

حمد: ستودن کمال (بی عیب بی نقص بی حدّ)، ستودن وجود، حق و رحمت است. تحسین الحقّ. تحسین الحسن.

در دعای سحر و بسیاری از دعاها حمد و تسبیح به این معناست که گاهی خدا را از زاویه‌ی خلق می بینند و تسبیح می کنند و گاهی خدا را از جنبه‌ی وجودی اش می بینند و حمد می کنند.

شکر ما بین استغفار و حمد است. در سوره‌ی ابراهیم تمام تکامل یک انسان وابسته به شکر است، تمام اوج گرفتن انسان به شکر است، منشاء ایمان در انسان شکر است. در روایات آمده که ایمان یعنی شکر و صبر (استمرار در شکر). کافی است که در تربیت او را به نعمت‌ها حساس کند و این حساس شدن به منزله‌ی فعال شدن ایمان و شکر است. اگر کسی به غیر خدا را رویت کند به منزله‌ی قصد آن غیر است.

وقتی ما حمد را می بینیم، تمجید و علو و رفعت است، چون تحسین در آن است حتماً موضوعی در آن است، ما تمجید و علو مطلق نداریم، گاهی اسماء الحسنی را حمد می کنیم و گاهی عبدی را. هر کجا مجدی از انسان کاملی بود باید دانست که حمد است. خدا به وسیله‌ی حمد انسان کامل را شکر کرده است. مثلاً قدم صدق داده شدن، حمد کردن خداست. در سوره‌ی زمر آخرین آیه اش نهایت حمد را می گوید.

استغفار: طلب نزول رحمت (عفو، صفح یا غفران) در قبال برطرف کردن عیب و نقص و حدّ است. قیود طلب و در قبال مهم می‌شود. اگر کسی در بدترین شرایط زندگی‌اش سربلند کرده باشد یعنی فهمیده است که استغفار وجود دارد. در استغفار نوعاً ایرادهای ساختاری و شاکله وجود دارد. استغفار یعنی از سیستمت محو کن.

در قرآن هر کجایی که رحمتی در قبال آسیبی هست، مثلاً نزول سکینه در هنگام رزم، از مقوله‌ی استغفار است. در استغفار شاه کلید حسن ظنّ به خداست. خیلی وقت‌ها ما خیلی چیزها را نمی‌خواهیم که به ما نمی‌دهند: اذا سالک عبادی عنی..... ما علم تفصیلی به خواستن و آدم بودن نداریم.

دعا یعنی نیاز حقیقی. نسبت دعا و سوال این است که دعا رزق است و سوال طعام است، سوال ادراک فرد است، هم چنین رزق روح طعام است. اگر انسان چیزی را، نیازی را در درونش طلب کند قبل از آن که به آن چیز نیاز داشته باشد خدا را طلب کرده و خدا خودش را به او می‌دهد.

اذا جاء نصر الله و الفتح، و رایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا

ظرف تحقق نصر و فتح و دخول در دین در مردم است و ظرف تحقق فسیح بحمد ربک رسول است.

دو ظرف را به صورت مجزا بررسی می‌کنیم:

ظرف مردم شامل جامعه می‌شود یعنی آن مقداری که مردم بخواهند از فضل بهره می‌گیرند:

- نصر آنجایی است که آسیب‌ها و رفع آسیب‌هاست،
- فتح در کمال و حق است و جاری شدن آن،
- دین یعنی صورت بندی و قالب بندی رحمت خدا

نصر و فتح و دین در ظرف رسول به صورت تسبیح و حمد و استغفار است. شکوه و مجد فتح موازنه دارد با شکوه حمد رسول.

اگر زنا در جامعه زیاد شود زلزله در جامعه زیاد می‌شود، زلزله را بدون حذف زنا نمی‌توان از بین برد. باید دین را تصحیح کرد تا استغفار انجام شود.

وقتی امام علی علیه السلام می فرمایند:

اللهم اغفر لي الذنوب التي تغير النعم: یعنی باید گناهایی که تغیر النعم می کند را در جامعه با ساختار بندی تصحیح کرد. در گناهان آن گناهی اشد می شود که ساختاری تر است مثل عبادت طاغوت. کسی که از آمریکا بدش نمی آید یعنی گیر ساختاری دارد، امریکا یعنی شیطان با همه ی عده و عده اش. عاشورای امسال گریه کردن و سینه زدن نیست بلکه مقابله با آمریکا است. آمریکایک کشور نیست، میدان دار یک عملیات است.

تمامی اسم هایی که نشان از هویت جمعی انسان است را از قرآن استخراج کردیم. کسی که برای مشاوره مراجعه می کند بررسی می کنیم که کدام قسمت از هویت جمعی اش اشکال دارد در زوجیت یا بیت یا قوم و... . نظام حکومت است که بر همه ی این هویت جمعی چنبره زده است.

ارتباط با ولایت طاغوت با پیوند و مودت همراه است، ولو اینکه در حکومت طاغوت نباشی. [اگر کسی ذره ای محبت به آمریکا دارد مطمئن باشد در عاشورا در سپاه یزید بود] به طور کامل تاثیر آن مانند تاثیر القای ماهواره و ... است. در سوره ی مبارکه ی نسا که راجع به زن است مهم ترین چیز گسترش دین خدا و مبارزه با استکبار است. کودکان و زنان اولین قربانیان طاغوت و استکبار است.

اگر چیزی را مردم بخواهند مسئولین به سمتش می روند. باید غفلت ناس برداشته شود زیرا نصر و فتح از مردم نشأت گرفته است. ببینم که من امروز در نصر و فتح خدا چه نقشی دارم. مطمئن هم باشید که به تعداد نیست زیرا اگر گروهی علم داشته باشند حداکثر متحول می شود و ما متاسفانه تئوری مبارزه با طاغوت نداریم. به کثرت نیست. حضرت امیر(ع) در باره هویت جمعی می گویند اگر ما یک گروه داشته باشیم می توانند معادلات کل جامعه را تغییر دهند.

(ساعت دوم)

روایات یک سری مربوط به آسیب‌های هویت جمعی و یک سری ضرورت هویت جمعی است. اصلاح بروزات و توانایی جمعی، هم راستایی با رسول و دین.

ضرورت قرار نگرفتن در جمع‌های گناه. بحث شکر دسته جمعی، اتصال به شیعیان و رسول و....، شاکله شناسی هویت جمعی (زوجیت، بیت، ارحام، بلد، قریه، مدینه، ملت) فرهنگ و سبک زندگی))

در این دسته بندی‌ها حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ روایات جمع بندی شده‌اند. این‌ها مربوط به فقه حکومتی می‌شوند.

جامعه احکامی دارد ولی اولویت‌هایش بر می‌گردد به اولویت بلد، قریه و ... است. اگر کسی خواست ببیند شکل حکومت اسلامی چگونه است باید ببیند که اولویت هویت‌های جمعی به چه صورت است. گاهی جنگ برای حکومتی لازم است و گاهی صلح و این تفقه از شرایط امت و بلد و قریه و ... به دست می‌آید.

برخی فکر می‌کنند که بسیاری از احکام در روایات نیامده ولی باید ببینیم که احکام در روایات هست اما خوانش ما از روایات درست نیست.

وسائل الشیعه جلد ۱۶ صفحه‌ی ۲۸۲

این کتاب جزء ارکان اصلی استنباط و فقه است. کتابشناسی این مجلد در نرم افزار نور به طو اجمالی آمده است.

معرفی ۳۰ جلد کتاب.



روایت است از امام صادق که چگونه نماز بخوانیم و مجموعه‌ای از روایات است. بنابراین اگر به ما گفتند که نماز خواندن را از کجا یاد گرفتیم بگوییم از پدرمان (ائمہی مان) آموختیم.

لازم نیست روایات را برای بچه‌ها بگوییم چون کافی است که شما نمازتان را با ذوق بخوانید و به کودک حس دهید، خودتان ذکر و حس داشته باشید کافی است. تا دوره‌ی سوم و بلوغ عاطفی سبک به همین شکل است.

آسیب‌ها

اللهم اغفر لی الذنوب التي تغير النعم امام علی علیه السلام در حدیث امام زین العابدین چنین آمده است:^۱

يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا عَنْ بُكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ تَمِيمِ بْنِ بُهْلُولٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَاذِبِيِّ قَالَ سَمِعْتُ زَيْنَ الْعَابِدِينَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَقُولُ الذُّنُوبُ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ^۲ الْبَغْيُ عَلَى النَّاسِ وَالزَّوَالُ عَنْ الْعَادَةِ فِي الْخَيْرِ وَاصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ وَكُفْرَانُ النَّعْمِ وَتَرْكُ الشُّكْرِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ^۳ - وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي قِصَّةِ قَابِيلَ حِينَ قَتَلَ أَخَاهُ هَابِيلَ -

^۱ . معانی الأخبار ۲۷۰-۲۷۱.

^۲ . قد تقدم الاستعاذة من أقسام الذنوب المذكورة في دعاء كل يوم من شهر رمضان (منه. ره).

^۳ . الرعد ۱۳-۱۱.

فَعَجَزَ عَنْ دَفْنِهِ فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ^٤ - وَ تَرَكَ صِلَةَ الْقَرَابَةِ حَتَّى يَسْتَعْنُوا وَ تَرَكَ الصَّلَاةَ حَتَّى يَخْرُجَ وَقْتُهَا وَ تَرَكَ
 الْوَصِيَّةَ وَ رَدَّ الْمَظَالِمَ وَ مَنَعَ الزَّكَاةَ حَتَّى يَحْضُرَ الْمَوْتَ وَ يَنْعَلِقَ اللِّسَانُ وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تُنَزِّلُ النِّقَمَ عِصْيَانُ الْعَارِفِ بِالْبُغْيِ
 وَ التَّطَاوُلُ عَلَى النَّاسِ وَ الِاسْتِهْزَاءُ بِهِمْ وَ السُّخْرِيَّةُ مِنْهُمْ وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تَدْفَعُ الْقِسْمَ إِظْهَارُ الْإِفْتِقَارِ وَ النَّوْمُ عَنِ الْعَتَمَةِ وَ
 عَنْ صَلَاةِ الْغَدَاةِ وَ اسْتِحْقَارُ النَّعْمِ وَ شَكْوَى الْمَعْبُودِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَ اللَّعِبُ بِالْقِمَارِ
 وَ تَعَاطَى مَا يُضْحِكُ النَّاسَ مِنَ اللَّغْوِ وَ الْمِرَاحِ وَ ذِكْرُ غُيُوبِ النَّاسِ وَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الرَّيْبِ وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ
 تَرَكَ إِغَاثَةَ الْمَلْهُوفِ وَ تَرَكَ مُعَاوَنَةَ الْمَظْلُومِ وَ تَضْيِيعُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ
 الْمُجَاهِرَةَ بِالظُّلْمِ وَ إِغْلَانُ الْفُجُورِ وَ إِبَاحَةُ الْمَخْطُورِ وَ عِصْيَانُ الْأَخْيَارِ وَ الْإِنْطِيعَ لِلْأَشْرَارِ وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ
 قَطِيعَةُ الرَّحِمِ وَ الْيَمِينُ الْفَاجِرَةَ وَ الْأَقْوَالُ الْكَاذِبَةُ وَ الزُّنَا وَ سَدُّ طَرِيقِ^٥ الْمُسْلِمِينَ - وَ ادْعَاءُ الْإِمَامَةِ بِغَيْرِ حَقِّ وَ الذُّنُوبُ الَّتِي
 تَقْطَعُ الرَّجَاءَ الْيَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ وَ الْفُنُوطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ الثَّقَةُ بِغَيْرِ اللَّهِ وَ التَّكْذِيبُ بِوَعْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الذُّنُوبُ الَّتِي
 تُظْلِمُ الْهُوَاءَ السُّحْرُ وَ الْكِهَانَةُ وَ الْإِيمَانُ بِالنُّجُومِ وَ التَّكْذِيبُ بِالْقَدَرِ وَ عُفُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ
 الْإِسْتِدَانَةَ بِغَيْرِ نِيَّةِ الْأَدَاءِ وَ الْإِسْرَافُ فِي النَّفَقَةِ عَلَى الْبَاطِلِ وَ الْبُخْلُ عَلَى الْأَهْلِ وَ الْوَلَدِ وَ ذَوِي الْأَرْحَامِ وَ سُوءُ الْخُلُقِ وَ قِلَّةُ
 الصَّبْرِ وَ اسْتِعْمَالُ الضَّجَرِ وَ الْكَسَلِ وَ الِاسْتِهْزَاءُ بِأَهْلِ الدِّينِ وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ سُوءَ النِّيَّةِ وَ حُبُّ السَّرِيرَةِ وَ النِّفَاقُ
 مَعَ الْإِخْوَانِ وَ تَرَكَ التَّصَدِيقَ بِالْإِجَابَةِ وَ تَأْخِيرُ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ حَتَّى تَذَهَبَ أَوْقَاتُهَا وَ تَرَكَ التَّقَرُّبَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ
 جَلَّ بِالْبُرِّ وَ الصَّدَقَةِ وَ اسْتِعْمَالِ الْبِدْءِ وَ الْفُحْشِ فِي الْقَوْلِ وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تَحْبِسُ عَيْنَ السَّمَاءِ جُورَ الْحُكَّامِ فِي الْقَضَاءِ وَ
 شَهَادَةَ الزُّورِ وَ كِتْمَانَ الشَّهَادَةِ وَ مَنَعَ الزَّكَاةَ وَ الْقَرْضَ وَ الْمَاعُونَ وَ قَسَاوَةَ الْقَلْبِ عَلَى أَهْلِ الْفَقْرِ وَ الْفَاقَةِ وَ ظُلْمَ الْيَتِيمِ وَ
 الْأَرْمَلَةَ وَ انْتِهَارَ السَّائِلِ وَ رَدَّهُ بِاللَّيْلِ.

بغی، ظلم به مردم، عدم عادت به کار خیر، و اینها همه حرکت به سمت افول است.

گسست فامیلی در ازای قتل نفس است. ترک نماز که ندامت می آورد، وصیت نمی کنند، رد ترک رد مظالم، ..

دعایی که امام علی (ع) برای غفران دارد نه که خودش نمازش را نمی خواند و بلکه باید سیستم و جریان سازی
 کند که صلهی رحم و عادت به کار خیر را در جامعه جاری کند.

گناهانی مطرح شده که باعث می شود که قسمت انسان دفع شود، بناست که خوشی و رزقی به انسان برسد که
 نمیرسد، خوابیدن در ثلث اول شب (بین مغرب و عشاء) و در زمان نماز صبح.

ذنوبی که تهمتک العصم: هر کاری که جلف است!!!

٤. المائدة ٥- ٣١.

٥. فی نسخه- طرق (هامش المخطوط).

ذنوبی که تنزل البلاء: رها کردن و همکاری مظلوم، ضایع کردن امر به معروف و نهی از منکر (گاهی ترک است و گاهی ضایع)

روح الله: نفحات روحانی که هر روز بر انسان می‌وزد که بیشتر در قالب توفیقات است، یاس از روح الله، ندیدن توفیقات و نفحات الهیف مثل نسیم است. یاس ناامیدی است که نمی‌گذارد که نسیم را حس کند. قنوط از یاس شدیدتر است. بحث قنوط در فرد نوعاً مسرف است و به خاطر اسرافش ناامید است. دچار دوگانگی می‌شود.

الدُّنُوبُ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ:

عاق والدین سحر می‌آورد، پدر و مادر فضا سازند و سحر باطل کننده هستند. گناهای که حرمت‌ها را می‌شکنند. وام و مهریه بدون قصد پرداخت (زیر قرض ببرد بدون اینکه قصد پرداخت و ادا داشته باشد).

وَالدُّنُوبُ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ: سوء نیت و بددلی نسبت به بقیه.

این متنی است که منشوری از تمامی مسائل اجتماعی است.

الدُّنُوبُ الَّتِي تَحْبِسُ عَيْثَ السَّمَاءِ

بیدادگری در داوری، منع الزکاه و...

قانون جذب؟ منظورشان را باید بفهمیم، گاهی به معنای خوش نیتی است که این خوب است ولی آیا واقعا به همین معناست یا نه نمیدانیم.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات